

زن، فرشته‌ی روی زمین

نویسنده: حسنعلی میرزاییگی

سرشناسه	:	میرزاییگی، حسنعلی، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	:	زن، فرشته‌ی روی زمین / نویسنده حسنعلی میرزاییگی.
مشخصات نشر	:	تهران: آواستن، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	:	۱۵۴ ص.
شابک	:	۴۰۰۰ ریال: 978-964-2673-56-8
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	زنان در اسلام
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۰ ۹ز۹/۲۳۰/۱۷۲BP
رده‌بندی دیویی	:	۲۹۷/۴۸۳۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۰۵۴۹۳۴



موسسه نشر

نام کتاب: زن، فرشته‌ی روی زمین

نویسنده: حسنعلی میرزاییگی

چاپ و صحافی: فرشیوه

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۷۳-۵۶-۸

نوبت چاپ: اول: سال ۱۳۹۰

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

جهت هرگونه پرسش و پاسخ با این شماره: (۰۹۱۲۲۳۳۴۵۲۰) تماس بگیرید.

فهرست

۱۳	 مقدمه
۱۷	 شخصیت و حقوق زن پیش از اسلام
۱۹	 زن از دیدگاه اسلام و قرآن
۲۵	 در قرآن زن برتر است یا مرد؟
۲۹	 زن، از دیدگاه احادیث و روایات
۳۴	 زن، در نگاه عارفان
۳۷	 نقش زن در تربیت فرزندان از دیدگاه امام خمینی (ره)
۴۴	 پاره‌یی از بیانات امام خمینی (ره) پیرامون مشارکت زنان
۵۳	 جایگاه و ارزش زن در اسلام
۵۹	 جایگاه اجتماعی و سیاسی زن
۶۱	 دیدگاه اسلام در خصوص دختران و زنان
۶۵	 زن و تحصیل و پرواز باورنکردنی
۷۵	 نقش مادر در جامعه
۷۹	 تولد دختر و نقش پدر در تربیت وی
۸۴	 برتری دختر بر پسر
۸۷	 برتری‌های مغزی زن
۹۲	 تفاوت عقلی بین زن و مرد
۹۶	 عزت زن، حجاب زن
۱۰۰	 زن، گل بهاری
۱۰۲	 زنان بزرگ تاریخ
۱۰۵	 دختر و دبستگی
۱۰۷	 چرا فرشته‌ها روی زمین سقوط می‌کنند؟
۱۳۳	 منابع

شعر مادر

آسمان

را گفتم

می‌توانی آیا

به هر یک لحظه‌ی خیلی کوتاه

روح مادر گردی

صاحب رفعت دیگر گردی

گفت نمی‌هرگز

من برای این کار

کلهکشان کم دارم

نوریان کم دارم

مه و خورشید به پهنای زمان کم دارم

خاک

را پرسیدم

می‌توانی آیا

دل مادر گردی

آسمان گردی و خرمن اختر بشوی

گفت نمی‌هرگز

من برای این کار

بوستان کم دارم

در دلم گنج نهان کم دارم

این جهان را گفتم

هستی کون و مکان را گفتم

می‌توانی آیا

لفظ مادر گردی
 همه رفعت را
 همه عزت را
 همه شوکت را
 به هر یک ثانیه بستر گردی
 گفت نی نی هرگز
 من برای این کار
 آسمان کم دارم
 اختران کم دارم
 رفعت و شوکت و شأن کم دارم
 عزت و نام و نشان کم دارم
 آن جهان را گفتم
 می‌توانی آبا
 لحظه‌ی دامن مادر باشی
 مهد رحمت شوی و سخت ممطر باشی
 گفت نی نی هرگز
 من بر این کار
 باغ رنگین جنان کم دارم
 تا در آینه‌ی او چهره‌ی مادر بینم
 دیدم او مادر بود
 دیدم او در دل عطر
 دیدم او در تن گل
 دیدم او در دم جان‌پرور مشکین نسیم
 دیدم او در پرش نبض سحر

دیدم او در نیش قلب چمن
 دیدم او لحظه‌ی رویدن باغ
 از دل سبزترین فصل بهار
 لحظه‌ی پر زدن پروانه
 در چمنزار دل انگیزترین زیبایی
 بلکه او در همه زیبایی
 بلکه او در همه عالم خوبی، همه رعنائی
 همه جا پیدا بود
 همه جا پیدا بود^۱



خواستم تو را فرشته بنامم، دیدم برتری. خواستم بگویم مهتاب روشنائی بخش
 زندگی‌ام هستی، دیدم تو برتری. آری! تو «مادری»! کلمه‌یی که شاید بتوان
 این‌گونه وصفش کرد: «م»، مرواریدی در صدف زندگی؛ «ا» افتخار و عزت
 جان؛ «د»، دنیای مهر و محبت مادرانه؛ «ر»، رنج زندگی را با عشق بر دوش
 کشیدن. مقام تو آن‌چنان بزرگ و والا است که همگان در وصفش درمانده‌اند.

^۱ منبع: سایت صبح امید، تنظیم برای تبیان: زهره سمیعی.

تو مصداق بارز همه خوبی‌هایی، گل وجودت صفابخش زندگی‌است. تو قطرات زیبای باران بر بیابان خشک زندگی هستی. تو اقیانوس بیکران محبت و عطوفتی. تو پرنده‌ی بهشت آشیانی. تو رنگ همه رنگ‌های طبیعت و قاموس بلند عشقی. تو چنان شمعی که می‌سوزد تا روشنایی بخشد، می‌سوزی تا پرورش دهی. تو پرورش دهنده‌ی سازندگان تاریخی، همسر و همپای بزرگ مردانی به وسعت همه دنیا هستی. وجودت فزاینده‌ی شکوه و جلال پیکار عاشوراست. تحمل شکوه‌مند رنج‌هایت، همپایه‌ی عبادت مردان بزرگ تاریخ است. تبلور قرآن را در وجود تو می‌توان دید. قرآن انسان ساز است و تو نیز انسان سازی. نجوای دلنوازش در گوش انسان‌ها تاریخ را می‌سازد.

ای «اکثر الخیر فی النساء» ای رنج کشیده و دردمند تاریخ، ای جلوه‌ی عفاف و پاکی، ای که عفت قلم اجازه نمی‌دهد، ظلم رفته بر تو بر صفحه‌ی کاغذ نقش بندد. ای مظهر خلاقیت و زیبایی، ای سبیده‌ی صبح صادق که صبحگاهان تلاؤ چشمات بر صورت زیبای فرزندت می‌تابد. ای شب زنده‌دار بی‌ریا که در دل شب شیرهی جانت را در کام فرزندت می‌ریزی تا آغوش گرم و پرنوازشت، آرامش، امنیت و لذت را در عمق جانش بنشاند.

اما او هیچگاه تو را آنگونه که هستی نخواهد شناخت و تنها اگر لحظه‌یی در جایگاه تو قرارگیرد، خواهد فهمید که تو کیستی. تو همچون گل محمدی که در دیگی جوش می‌زند تا تبدیل به گلاب شود، عطر دل انگیز وجودت را بر صورت فرزندت می‌نشانی تا لذت ببرد و در این میان تو از بین می‌روی. سنگردار بی‌سنگری که سالیان سال در دفاع از وجود فرزندش لحظه‌یی آرام و قرار ندارد.

مادر! ای راز سر به مهری که زبان و قلم از وصف خوبی‌هایت ناتوانند! تو حدیث مفصل عشقی، نه عشق‌های خام زمینی، عشقی که تا جان دارد تا پایش می‌ماند. تو را شناختم و گوشه‌یی از وفایت را شاهد بوده‌ام: وقتی پسرش شهید شد، خاکی را که او بر آن جان داده بود خواستی تا یاور شب‌های تارت شود. این عشق است که تو به خاک آغشته به خون فرزند شهیدت افتخار می‌کنی.

مادر! ای که معنای هستی‌ات را در وجود فرزندت می‌یابی، چرا که وقتی عباس علمدار در رکاب سرورش جان داد، فریاد برآوردی: «مردم دیگر مرا "ام البنین" نخوانید».

مادر، ای شاهراه بی‌انتهای وفا و صبر و بردباری، ای واسطه‌ی نزول سوره‌ی کوثر، ای شفیع روز جزا، ای شهد شیرین گل‌های بهاری، ای کوه بلند استواری در برابر رنج‌ها، ای آبشار زیبای عاطفه که بر دل فرزند فرو می‌ریزی، ای واژه‌ی بی‌نقطه که هزاران نکته درباره‌ات گفته‌اند و هنوز ناگفته‌ها بسیارند:

۱. زیباترین خلقت خداوند مادر است.
۲. بالاترین کانون عاطفه و محبت مادر است.
۳. دلسوزترین قلب‌های عالم قلب مادر است.
- شب زنده دار عاشق، مادر است.
۵. سکوی پرواز بلند مردان تاریخ، دامن مادر است.
۶. تنها قلبی که با تپش قلب فرزندش می‌تپد، قلب مادر است.
۷. زن پرنده‌یی‌ست که آشیانش بهشت است.
۸. خورشیدی که هیچ وقت غروب نمی‌کند، نام مادر است.
۹. زیباترین واژه‌ی هستی، مادر است.

۱۰. بزرگ‌ترین افتخار هستی، حضرت زهرا (س)، مادر است.
۱۱. آن که وجودش با وجود پیامبر (ص) یکی شد، دختر است.
۱۲. آن که پیامبر (ص) دستانش را بوسید، دختر است.
۱۳. آن که از همه چیز مهم‌تر است، دختر است.
۱۴. آن که دعایش چون آب بر آتش است، مادر است.
۱۵. آن که سوز اشکش چون آتش می‌سوزاند، مادر است.
۱۶. آن که بدون او جهان حیات ندارد، مادر است.
۱۷. آن که اگر قصد جاننش را بکنی، صدایت می‌زند که مواظب خودت باش «مادر» است.
۱۸. آن که همواره جلودار و پیش‌مرگ فرزند است، مادر است.
۱۹. آن که اگر به او خدمت کنی، حایت در بهشت است، مادر است.
۲۰. آن که سوره کوثر به نامش نازل می‌شود، مادر است.
۲۱. آن که شریف‌ترین شغل را در عالم دارد، مادر است.
۲۲. خشنودی پروردگار سبحان از رضایت و خشنودی مادر است.





مقدمه

این بار قلم به دست گرفتم تا درباره فرشته‌های برتر بنویسم. آنانی که بهشت زیر پایشان است. ظلمی که در طول تاریخ در حق مادران و زنان شده است آن قدر زیاد است که تاب و تحمل نوشتن آن نیست و هیچ ظلمی به اندازه ظلم بر زنان، ننگ تاریخ نمی‌باشد. گاه او را پس از تولد زنده به گور می‌نمودند، زمانی او را به راحتی خرید و فروش می‌کردند، به راحتی طلاق می‌دادند، از درس و مدرسه محروم می‌کردند، حق رای را از او می‌گرفتند، او خدمتکاری بیش نبودا متأسفانه این ظلم نه در حد یک مرز و بوم بلکه جهانی بود. مرد شکارچی‌یی بود که این ضعیف را باید شکار می‌کرد. تا این که مردی به بزرگی تاریخ از جانب خدا به پیامبری رسید و تفکرات دوران جاهلیت را چون بتی شکست و به هم ریخت و توانست جسم زنان را از زنده به گور شدن نجات دهد. اما هنوز روح و شخصیت زن در گور جهالت‌ها دفن می‌گردد. آن قدر گستره‌ی این جهالت‌ها زیاد بود که مرد می‌توانست زن خود را بفروشد، ببخشد، بکشد و ره‌ایش کند تا بمیرد، ولی امروزه با گذشت زمان، شکل این ظلم و ستم تغییر کرده است. زن از بردگی و ذلت و گرفتاری‌هایی یافته و در

زندان دیگری جهت درآمد مادی و تبلیغات از او استفاده می‌گردد. زن امروز به مهم‌ترین ابزار و وسیله استعمار؛ توسط مردان تبدیل گشته و به صورت عروسکی در اختیار تبلیغات و فروش کالا قرار گرفته است. او امروزه در دنیای غرب بهترین وسیله برای فساد و مستی و آلودگی محسوب می‌شود. باور کردنی نیست آنانی که بهره‌ی از عقل دارند، چگونه می‌خواهند در برابر تاریخ پاسخگو باشند؟ برخی از این جاهلان، زن را کم هوش و کم عقل می‌خوانند! واقعا اگر ریشه درختی پوسیده باشد، از برگ‌ها و میوه‌اش چه انتظاری می‌توان داشت؟ اگر جوی آبی از سرچشمه گل آلود است، می‌توان از آن انتظار آب زلال داشت؟ اگر مردان امروز خود را برتر، بهتر و باهوش‌تر می‌خوانند، آیا در دامن یا شکم مردان پرورش یافته‌اند یا این که در دامن و شکم زنان؟ اگر به راستی زن نقصی داشته باشد، به یقین مردی هم که در آغوش او پرورش یافته، باید نقص بیشتری داشته باشد. مگر نمی‌گویند- از کوزه همان برون تراود که در اوست؟- این چگونه منطقی‌ست که بپذیرد و باور کند که خود زن ناقص باشد ولی فرزندان او، آن که پسر به دنیا آمده، دارای عقل کامل، خردمند، فرزانه و باهوش است، ولی آن که دختر به دنیا آمده کم عقل و بی‌احساس و... می‌باشد؟ مگر این دو از یک مادر نیستند؟ مگر جایگاه آن‌ها یکی نبوده است؟ چگونه می‌توان باور کرد که از دل خورشید، یکی نور گرم و یکی نور سرد، بگیرد؟ پس باید پذیرفت که این‌ها تصورات غلطی‌ست که باید یک بار دیگر تاریخ آن‌ها را لگدمال کند. آنچه مسلم است این است که ما مسلمان هستیم و داعیه این را داریم که اسلام بهترین و کامل‌ترین دین است. با مطالعه کتب اسلامی درمی‌یابیم که در هیچ دینی به اندازه اسلام در مورد برخورد با زنان سفارش نشده‌است، این اسلام بود که زنان و دختران را از ید قدرت مردان و پدران

رهاکرد و به آن‌ها آرامش و آزادی و استقلال دارد، به طوری که صدها حدیث و گفتار در خصوص این موجود مظلوم نوشته و گفته شده است.

از آغازین روزی که اولین فرزند بزرگ‌ترین روانشناس تاریخ بشریت دختر به دنیا می‌آید، او دست‌هایش را می‌بوسد و آن قدر برایش ارزش قایل می‌شود که می‌گوید او پاره‌ی تن من است، اگر کسی او را خشنود سازد، مرا خشنود ساخته است. وجود خود را با وجود دخترش یکی می‌سازد. او آن قدر به یگانه دخترش شخصیت می‌دهد که هنگام رفتن به مسافرت از آخرین کسی که خداحافظی می‌کند، دخترش است و در برگشت با اولین کسی که دیدار می‌کند، دخترش است^۱. تا به امروز که دیدگاه‌های آبر مرد تاریخ، حضرت امام خمینی (ره) می‌تواند بهترین هدیه و برگ زرینی برای زنان و دختران باشد که در متن کتاب به تفسیر و تحلیل آن خواهیم پرداخت.^۲

^۱ حقوق زن در اسلام و اروپا، ص ۷۴.

^۲ همچنین مراجعه شود به کتاب «خانواده و امام خمینی (ره)» به همین قلم، نشر فراگفت.

